



استعاره

احمد رضایی جمکرانی

ویرایش جدید

استعارة

احمد رضایی جمکرانی
(عضو هیأت علمی دانشگاه قم)



امداد مروارید

شناخته:	رضایی جمکرانی، احمد - ۱۳۵۴
عنوان و نام پیداوار:	استعاره احمد رضایی جمکرانی
مشخصات نشر:	تهران: انتشارات مروارید، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری:	۲۸ ص.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۹۸۶-۵
وضیت فهرست‌نویسی:	فیبا
پادداشت:	کتابنامه: ص. ۲۷۵-۲۶۹
پادداشت:	نامه.
موضوع:	استعاره
موضوع:	Metaphor
ردیبندی کنگره:	PN ۲۲۸
ردیبندی دیوبی:	۸۰۸
شماره کتابستانی ملی:	۸۷۸۵۷۵



انتشارات مروارید

تهران، خیابان انقلاب، رو به روی دانشگاه تهران، بلاک ۱۱۸۸ / ص. ب. ۱۶۵۴ - ۱۳۱۴۵
 دفتر: ۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۶۶۴۱۴۰۴۶ فاکس: ۶۶۴۸۴۶۱۲ - ۶۶۴۸۴۰۲۷ فروشگاه: ۶۶۴۶۷۸۴۸
<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>
 تخفیف و ارسال رایگان: www.morvarid.pub



استعاره

(ویراست جدید)

احمد رضایی جمکرانی

تولید فنی: التاز ایلی

صفحه آرایی: تینا حسامی

چاپ اول: بهار ۱۴۰۱

چاپخانه: هوران

تیراز ۲۲۰

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۹۸۶-۵ ISBN: 978-964-191-986-5 ۹۷۸-۹۶۶-۱۹۱-۹۸۶-۵

تومان ۹۵۰۰

فهرست

مقدمه

۱۳ مقدمه

فصل اول:

بررسی و نقد سیر استعاره در آثار بلاغی عربی و فارسی / ۱۹

۱۹	استعاره در کتاب‌های بلاغی عربی
۲۰	الف) آثار پیش از اسرار البلاغ
۲۰	البيان و التبيين
۲۱	تأویل مشکل القرآن
۲۲	قواعد الشعر
۲۲	البدیع
۲۳	الواسطہ بین المتنبی و خصوصه
۲۴	تشبیه و استعاره
۲۵	نقد الشعر
۲۵	الف) انواع استعاره
۲۶	ب) اصل لازم میان طرفین استعاره
۲۶	النکت فی الاعجاز القرآن
۲۶	الف) تعریف استعاره
۲۷	ب) ارکان استعاره
۲۷	الصناعتين
۲۷	الف) تعریف استعاره و اغراض آن
۲۸	ب) اغراض استعاره
۲۹	پ) بلاغت استعاره
۳۰	الغمدة فی محاسن الشعر و آراء و نقد

الف) استعاره برترین مجاز است	۳۰
ب) تعریف، عیوب و حدود مختلف استعاره	۳۰
سرالفصاحده	۳۱
الف) انواع استعاره	۳۲
ب) جایگاه تشییه در استعاره	۳۲
پ) استعاره بر استعاره	۳۲
ب) اسرارالبلاغه و جرجانی	۳۳
الف) استعاره چیست؟	۳۳
ب) ویژگی های لفظ مستعار از نظر جرجانی	۳۴
پ) کارکرد ساختاری استعاره	۳۵
ت) استعاره و مجاز	۳۶
ث) انواع استعاره	۳۷
ج) استعاره حقیقی، استعاره سودمند است.	۳۹
ج) مهم ترین ویژگی استعاره سودمند	۳۹
ح) تقسیم بندی استعاره سودمند	۴۰
خ) معنای استعاری و ترجمه	۴۱
د) جایگاه استعاره در انواع صنایع بلاغی	۴۲
ذ) استعاره مقیاس سخن است	۴۲
ر) استعاره مصرحه و مکنیه	۴۳
ز) راه های شناخت این دو نوع استعاره	۴۵
ژ) تقسیم استعاره فعلی	۴۶
س) کیفیت وجه شبیه در استعاره	۴۷
ش) واژه مستعار	۴۸
ج) آثار پس از اسرارالبلاغه	۴۸
البدیع فی نقدالشعر	۴۹
استعاره	۴۹
مفتاح العلوم	۴۹
استعاره در مفتاح العلوم	۵۰
الف) تعریف استعاره	۵۰
ب) ویژگی های استعاره از نظر سکاکنی	۵۱

پ) انواع استعاره.....	51
ت) استعاره مکنیه.....	52
ث) استعاره مکنیه و تبعیه.....	54
ج) استعاره مکنیه و مجاز عقلی.....	55
چ) استعاره تهکمیه، اصلیه و تبعیه.....	55
ح) تجرید و ترشیح.....	55
خ) شروط حسن استعاره.....	56
د) تقسیم‌بندی دیگری از استعاره.....	56
مفاهیم العلوم در یک نگاه.....	57
الایضاح فی علوم البلاعنة.....	57
الف) تعریف استعاره.....	58
ب) مجاز عقلی.....	58
پ) دسته‌بندی استعاره.....	58
ت) استعاره مکنیه و استعاره تخیلیه.....	60
مطول و مختصر المعانی.....	61
الف) استعاره از نظر تفتازانی.....	62
ب) استعاره مجاز لغوی است یا عقلی.....	63
پ) استعاره و صدق و کذب.....	63
ت) استعاره و قرینه.....	64
ث) انواع استعاره.....	64
ج) مجاز مرکب.....	66
چ) استعاره بالکنایه یا مکنیه.....	67
استعاره در کتاب‌های بلاغی عربی در یک نگاه.....	68
الف) آثار پیش از اسرار البلاعنة.....	68
ب) اسرار البلاعنة و جرجانی.....	69
پ) آثار پس از اسرار البلاعنة.....	70
استعاره در کتب بلاغی فارسی.....	72
ترجمان البلاعنة.....	72
حدائق السحر فی دقایق الشعر.....	74

75	المعجم في معايير الأشعار العجم
75	الف) حقيقة و مجاز
76	ب) استعاره و مجاز
76	پ) كارکرد استعاره
78	معيار جمالي و مفتاح ابواسحاقى
79	دقائق الشعر
80	حقائق الحدائق
81	مناظر الانشاء
82	الف) ساختار استعاره
82	ب) استعارة مكنية و تحقيقيه
83	پ) استعارة مطلقة، مجرد و مرشحة
85	بدایع الصنایع
85	الف) حقيقة، مجاز و استعاره.
86	ب) استعارة مكنية
86	بدایع الافکار فی صنایع الاشعار
87	حقيقة و مجاز
88	نووار البلاغه
88	الف) تعريف استعاره و انواع آن
89	انواع استعاره
91	ب) دیدگاه مازندرانی درباره استعارة مكنية و تخيليه
93	پ) استعاره و اسم علم
94	ت) قرينه و اركان استعاره
94	ث) تقسيم‌بندی انواع استعاره
94	تقسيم اول: استعارة وفائية و استعارة عناديه
95	تقسيم دوم: به اعتبار جامع
95	تقسيم سوم: به اعتبار طرفين و جامع هر سه (از نظر حسی یا عقلی)
95	تقسيم چهارم: استعارة اصلیه و تبعیه
95	تقسيم پنجم: تقسيم آن به اعتبار امور خارجه
96	ج) مجاز مركب
97	ج) شرایط حسن استعاره

۹۸.....	رساله بیان بدیع
۱۰۱.....	ابدع البدایع.....
۱۰۲.....	ذرر الادب.....
۱۰۲.....	الف) استعاره و تشییه.....
۱۰۳.....	ب) ارکان استعاره.....
۱۰۳.....	پ) اقسام استعاره.....
۱۰۴.....	تقسیم استعاره به اعتبار لفظ مستعار.....
۱۰۴.....	تقسیم‌بندی استعاره از حیث جامع.....
۱۰۴.....	ت) مجاز مرکب بالاستعاره و استعاره تمثیلیه.....
۱۰۵.....	هنچار گفتار.....
۱۰۶.....	الف) استعاره و مجاز.....
۱۰۶.....	ب) استعاره و کذب.....
۱۰۶.....	پ) انواع استعاره.....
۱۰۸.....	معالم البلاغه.....
۱۰۸.....	الف) ارکان استعاره.....
۱۰۹.....	ب) استعاره بالکنایه.....
۱۱۰.....	پ) استعاره مرکب.....
۱۱۱.....	معانی و بیان.....
۱۱۱.....	الف) انواع استعاره.....
۱۱۲.....	ب) استعاره محتمله.....
۱۱۳.....	پ) استعاره تمثیلیه.....
۱۱۴.....	صور خیال.....
۱۱۴.....	الف) تعریف استعاره.....
۱۱۷.....	ب) تقسیم‌بندی‌های قدماء در باب استعاره.....
۱۱۸.....	بیان شمیسا.....
۱۱۹.....	الف) تعویض اصطلاحات.....
۱۱۹.....	ب) استعاره مصرحه.....
۱۲۰.....	پ) استعاره مکنیه یا بالکنایه.....
۱۲۱.....	ت) انواع استعاره مکنیه.....
۱۲۱.....	ث) پرسونیفیکاسیون.....

۱۲۲.....	ج) مکنیه! استعاره است یا تشییه؟
۱۲۳.....	ج) استعاره قیاسیه
۱۲۳.....	ح) استعاره تبعیه
۱۲۴.....	خ) استعاره از حیث جامع
۱۲۴.....	د) استعاره قریب و بعید
۱۲۵.....	ذ) استعاره واقیه و عنادیه
۱۲۵.....	ر) استعاره تمثیلیه و مرکب
۱۲۶.....	استعاره در کتب بلاغی فارسی در یک نگاه

فصل دوم:

بررسی و نقد ارکان و مسائل استعاره / ۱۳۱

۱۳۱.....	معنای لغوی استعاره
۱۳۳.....	معنای اصطلاحی
۱۳۳.....	تعریف استعاره (نقد و بررسی معنای اصطلاحی استعاره)
۱۳۵.....	تطور تعاریف استعاره
۱۳۵.....	نامیدن چیزی به نامی دیگر
۱۳۶.....	معنایی غیر از معنای قراردادی یا لغوی واژه
۱۳۷.....	مجاز و مشابهت
۱۳۸.....	دیدگاه ابوهلال عسگری: عبارت و غرض خاص
۱۳۹.....	مبالغه در تشییه یا علاقه مشابهت
۱۳۹.....	تعاریف مبنی بر مشابهت
۱۴۰.....	تعاریف مبنی بر حضور یا حذف طرفین تشییه
۱۴۱.....	استعاره، قیاس و کاربرد واژگانی
۱۴۲.....	قرینه
۱۴۴.....	جمع‌بندی دیدگاهها
۱۴۸.....	بررسی و نقد سیر ارکان استعاره
۱۵۲.....	ارکان چهارگانه
۱۵۴.....	قرینه صارفه
۱۵۷.....	قرینه و معنا

159.....	رابطه استعاره، قرینه صارفه و معنا
162.....	«این» و «آن» به عنوان قرینه صارفه
164.....	«ای» به عنوان قرینه
165.....	تعداد و تعداد قرینه
166.....	قرینه و ملامن
167.....	جامع (وجهشیه)
168.....	جامع از نظر حسی و انتزاعی
171.....	بررسی و نقد سیر تقسیم‌بندی انواع استعاره
175.....	نقد و بررسی استعاره مصراحه یا استعاره نوع اول
176.....	نقد و بررسی انواع استعاره مصراحه
178.....	استعاره مصراحه مطلقه
180.....	استعاره مصراحه مجرده
181.....	استعاره مصراحه مرشحه
182.....	بررسی و نقد سیر استعاره مکنیه یا نوع دوم
184.....	آثار نحسین و نبود این موضوع
185.....	دیدگاه جرجانی و نبود این اصطلاح
186.....	راههای شناخت این دو نوع استعاره
187.....	دیدگاه سکاکی و آغاز بحث در جوانب این اصطلاح
188.....	سکاکی و استعاره مکنیه
188.....	نظر سکاکی درباره استعاره مکنیه و تخیلیه
189.....	استعاره مکنیه و تبعیه در دیدگاه سکاکی
190.....	نقد نظر سکاکی
191.....	دیدگاه خطیب قزوینی
191.....	دیدگاه نفتازانی و تکرار این تعریف
192.....	منظارالانشاء
193.....	بدایع الصنایع و تشییه کنایی
193.....	انوارالبلاغه و نقد دیدگاه سکاکی، خطیب قزوینی و زمخشri
194.....	مازندرانی و استعاره تخیلیه
196.....	دیگر آثار بلاغی فارسی
196.....	دیدگاه شفیعی کدکنی

۱۹۶.....	تشخیص از نظر شفیعی کدکنی.....
۱۹۷.....	تشخیص یا استعاره مکنیه.....
۱۹۸.....	دیدگاه شمیسا.....
۱۹۸.....	استعاره، مکنیه و تخيیلیه.....
۱۹۸.....	انواع استعاره مکنیه از نظر شمیسا.....
۱۹۹.....	پرسونیفیکاسیون.....
۱۹۹.....	استعاره یا تشییه؟.....
۲۰۰.....	مروری بر استعاره مکنیه در آثار بلاغی.....
۲۰۰.....	استعاره مکنیه در یک نگاه.....
۲۰۳.....	استعاره اصلیه و تبعیه.....
۲۰۵.....	استعاره تبعیه و استعاره مکنیه.....
۲۰۶.....	استعاره تبعیه، کنایه، استعاره تمثیلیه و استخدام.....
۲۰۸.....	استعاره وفاقیه و عنادیه.....
۲۱۰.....	استعاره عامیه (مبتدله) و خاصیه (غريبه).....
۲۱۲.....	استعاره تمثیلیه.....
۲۱۶.....	بررسی و نقد دیدگاه‌های مختلف درباره تشییه تمثیل.....
۲۱۷.....	تشابهات صوری و تمایزات مبنایی.....
۲۱۸.....	تشابهات.....
۲۱۸.....	تمایزات.....
۲۲۰.....	ویژگی‌ها و کارکرد استعاره.....
۲۲۴.....	استعاره و تشییه.....
۲۲۴.....	الف) این‌همانی تشییه و استعاره.....
۲۲۵.....	ب) استعاره مبالغه در تشییه است.....
۲۲۵.....	پ) استعاره و طرفین تشییه.....
۲۲۶.....	ت) فرق تشییه و استعاره.....
۲۲۸.....	استعاره و مجاز.....
۲۲۸.....	الف) دیدگاه‌های مبتنی بر مجاز لغوی.....
۲۲۹.....	ب) دیدگاه‌های مبتنی بر مجاز عقلی.....
۲۲۹.....	پ) دیدگاه‌هایی که گونه مجاز را روشن نکرده‌اند.....
۲۳۰.....	ت) دیدگاه‌های مبتنی بر مجاز به علاقه متابهت.....

فصل سوم:
انواع دیگر استعاره / ۲۳۱

۲۳۱.....	استعاره مفهومی و استعاره دستوری
۲۳۲.....	لیکاف و استعاره مفهومی یا شناختی
۲۳۴.....	الف) استعاره مفهومی و زبان
۲۳۵.....	ب) طرح واره‌های تصوری
۲۳۶.....	پ) استعاره مفهومی و فرهنگ
۲۳۷.....	ت) استعاره مفهومی و تشییه
۲۳۸.....	ث) استعاره مفهومی و بافت
۲۴۰.....	ج) استعاره مفهومی و جمله
۲۴۰.....	استعاره دستوری
۲۴۱.....	نظریه زبان‌شناسی نقش گراسیستمی
۲۴۳.....	استعاره دستوری و فرانش‌ها
۲۴۵.....	الف) اسم‌سازی
۲۴۶.....	ب) حذف فاعل
۲۴۷.....	پ) معانی دیگر، فرانش بینافردی و استعاره دستوری
۲۴۷.....	ت) هنجارگریزی

فصل چهارم:
استعاره در حوزه‌های دیگر / ۲۵۳

۲۵۳.....	جایگاه استعاره در سبک‌شناسی بلاغی
۲۵۹.....	استعاره و نوع ادبی
۲۶۰.....	استعاره و حماسه
۲۶۴.....	استعاره و نوع غنایی
۲۶۷.....	استعاره و نوع تعلیمی
۲۶۹.....	کتابنامه
۲۵۳.....	جایگاه استعاره در سبک‌شناسی بلاغی

مقدمه

خواه دستگاه بلاغی را در معنای محدود گذشته شامل صنایع بدیعی و بیانی بدانیم، خواه در معنایی گسترده‌تر تمام عوامل دخیل در ساختار کلام، در هر صورت، استعاره نه تنها یکی از مؤلفه‌های این دستگاه، بلکه مهم‌ترین آنها است. اهمیت استعاره به اندازه‌ای است که قیروانی آن را برترین مجاز می‌داند و تأکید می‌کند که در شعر و شاعری چیزی شگفت‌آورتر از استعاره وجود ندارد (القیروانی، ۱۹۳۴: ۴۳۷). دیدگاهی که بعدها در آرای جرجانی به‌گونه‌ای دیگر بیان شد. عبدالقاہر، استعاره را بر تمام صنایع بلاغی رجحان می‌دهد و جایگاه آن را در بین انواع هنرهای بلاغی چون ماهِ تابان می‌داند و معتقد است انواع سخن نیازمند استعاره است و بدون استعاره هر سخنی عاطل خواهد بود به‌گونه‌ای که اگر آن را از سخن برداریم، رونق و زیبایی کلام زایل خواهد شد (جرجانی، ۱۳۷۴: ۲۴)؛ به عبارت دیگر، جرجانی ادبیت کلام را منوط به استعاره می‌داند، زیرا استعاره مؤلفه‌ای است که باعث شگفتی در سخن و نیز التذاذ هنری می‌شود (همان، ۱۵). توجه و تأکید بر جایگاه استعاره در میان صنایع ادبی، مختص بلاغيون ما یا روزگاران گذشته نبوده است و نیست. صاحب‌نظران غربی نیز از روزگار ارسطر تاکنون بر اهمیت استعاره و رجحان آن بر عناصر ادبی دیگر صحه گذاشته‌اند؛ «این نظریه را که استعاره و نماد از ملزمات بنیادین شعر هستند نیز نخستین بار ویکو، بلکول، دیدرو و هامان، بیان و برادران شلگل آن را به بهترین وجهی تکمیل کردند» (ولک، ۱۳۷۳: ۳۸-۳۹). ویلهلم شلگل معتقد بود هنر راهی است به سوی معرفت از طریق نشانه‌ها و اندیشیدن به

وسیله صورت‌های خیالی؛ بهمین دلیل، استعاره را پیوسته شیوه اصلی شعر قلمداد می‌کرد (ولک، ۱۳۷۴: ۵۶-۵۸).

اگر بخواهیم همه نظراتی را که به اهمیت استعاره و جایگاه بلاغی آن اشاره کرده‌اند، گردآوری کنیم، خود نیازمند کتابی مستقل خواهد بود، لیکن آنچه جملگی بر آن‌اند عبارت است از این موضوع که استعاره از مقیاس‌های بینادین کلام (به‌ویژه کلام ادبی) است؛ به سخنی دیگر، اگر ادبیات را «چگونه گفتن» بدانیم، استعاره‌ها یکی از شیوه‌های اساسی «چگونه گفتن» هستند.

از طرفی نیز شاید بتوان گفت که اهمیت استعاره به دلیل جایگاه چندوجهی آن است. همین ویژگی سبب شده است، این موضوع از منظر نشانه‌شناسی، روان‌شناسی، مطالعات مختلف زبانی و... بررسی شود و اهمیت پژوهش درباره استعاره را دوچندان کند. اما نکته‌ای که در مطالعه استعاره مانند هر موضوع دیگری درخور اهمیت است، توجه به مطالعات این حوزه در بستر تاریخ و بررسی دگرگونی‌های آن در گذر زمان است. این امر می‌تواند چشم‌اندازی مناسب از تحولات، دیدگاه‌ها، کاستن‌ها و افزودن‌ها و خلاصه تمام آنچه را در این حوزه روی داده و هر آنچه فراموش شده است، عرضه کند. به عبارت دیگر، چنین پژوهشی می‌تواند دریافت روشی از سیر این مبحث ارائه دهد. اهمیت این مسأله زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم استعارات بر اساس حوزه‌های فکری و فرهنگی خاص خودشان شکل می‌گیرند، گسترش پیدا می‌کنند و از میان می‌روند. به سخن دیگر، نمی‌توان برای تمام استعارات در همه‌جا، نسخه‌ای واحد پیچید. استعاراتی که در بلاشت ما به وجود آمده‌اند، قطعاً با استعاراتی که با زمینه فکری و فرهنگی دیگری پدیدار شده‌اند، متفاوت هستند. چه باسا آنچه را که ما استعاره می‌دانیم، در ساختار فکری دیگری استعاره قلمداد نشود و عکس این قضیه نیز ممکن است صادق باشد. نتیجه آنکه، بررسی استعاره در سنت بلاغی ما، از خوب‌بستگی این موضوع در این ساختار فکری و فرهنگی حکایت می‌کند. به تعبیری دیگر، استعاره در سنت بلاغی ما، بدون توجه به جایگاه یا دریافت‌های آن در فرهنگ‌های دیگر — مثلاً یونان‌شکل گرفته، بالیده و گسترده شده و محققان نیز درباره مختصات آن بحث کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد داشتن تصوری درست از استعاره در چنین سنت بلاغی‌ای،

مستلزم آگاهی از روند تاریخی آن است. چنین دریافتی به معنای جستجوی همه چیز در گذشته نیست. به عبارتی، بررسی سیر هر موضوعی به معنای گذشته پژوهی و ماندن در گذشته نیست، بلکه به مثابه شناختی درست و درکی عمیق از ریشه‌های هر موضوع برای پرورش بهتر آن است. در این کتاب نیز کوشیده‌ایم برای تبیین تطور استعاره در چنین زمینه‌ای روند آن از نخستین آثار بلاغی عربی و فارسی بررسی شود.

بر این مبنای، ابتدا سیر استعاره از نخستین کتب بلاغی عربی تا عصر تثییت مباحث این اصطلاح در آثار نفتازانی بررسی می‌شود. همچنین تلاش کرده‌ایم آثار مهم این حوزه در این بازه زمانی با تأکید بر استعاره، بررسی و تمام مباحثی که درباره این موضوع مطرح شده، استخراج و تحلیل شود. آنچه در روند آثار این دوره - همان‌طور که در کتاب حاضر مفصل درباره آن بحث شده است - اهمیت ویژه‌ای دارد، جایگاه جرجانی است. وقتی به اسرارالبلاغه جرجانی و آرای او درباره استعاره می‌نگریم، با دیدگاه‌هایی متفاوت، تحلیلی و در یک کلام بسیار نو رو برو می‌شویم. دیدگاه‌هایی که در آثار قبل و بعد از او وجود ندارد! گویا از اندیشه‌هایی منحصر به فرد برخاسته‌اند؛ اندیشه‌هایی که چون کوهی استوار سربرآورده‌اند، افکاری که از ذهنی خلاق و منظم حکایت می‌کنند، ذهنی که بیش از اینکه شما را گرفتار قوالب کند، به اندیشیدن و امی دارد. اما دریغ که بلاغت ما در روند خویش از این اندیشه خلاق کمتر بهره برد و بیشتر گرفتار قالب‌ها و سخنان مکرر شده است. در هر حال، همین ویژگی‌های خاص اسرارالبلاغه موجب شد آن را به عنوان معیار در نظر بگیریم و بر مبنای آن، استعاره را در آثار بلاغی عربی به سه بخش تقسیم کنیم: ۱. آثار بیش از اسرارالبلاغه، ۲. اسرارالبلاغه، ۳. آثار بعد از اسرارالبلاغه. چنانکه در بخش نخست خواهد آمد، مبحث استعاره در آثار دسته اول بسیار کوتاه و مجمل است و عمده‌تاً تعریف استعاره و مباحثی بسیار کوتاه یا دسته‌بندی‌های اندک و ذوقی را شامل می‌شود. سپس اثر جرجانی (اسرارالبلاغه) بررسی می‌شود. همان‌طور که اشاره شد، دنیای اسرارالبلاغه، دنیایی کاملاً متفاوت است. به عبارت دیگر، روش جرجانی خاص خود است. اگر بگوییم که در میان همه آثار بررسی شده، فقط کتاب اسرارالبلاغه است که روش‌شناسی یا متداول‌تری

دارد، سخنی گراف نگفته‌ایم. با بررسی موضوعاتی که جرجانی، دست‌کم در بخش استعاره، درباره آنها بحث کرده و نیز بررسی شیوه او در تحلیل مسائل استعاره، می‌توان به تفاوت روش او با دیگران در تحلیل پی بردا؛ اما به‌نظر می‌رسد آثار پس از جرجانی اهمیت دوچندانی در سنت بلاغی ما یافته‌اند. اهمیت آثار سکاکی، خطیب قزوینی و تفتازانی در این است که شاکله‌ای برای مباحث بلاغی پی‌ریزی کرده‌اند که تا روزگار ما ادامه داشته و دارد. درواقع، سکاکی چهارچوبی را تدوین کرد که خطیب قزوینی آن را جرح و تعديل و تبیین نمود و در آثار تفتازانی، به قوانینی خشک و لایتغیر بدل شد. قوانینی که در طول قرون تکرار شدند و تکرار شدند؛ احکام ثابتی که فارغ از دگرگونی‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی، سده‌های متتمادی بر نظام بلاغی ما سایه افکندند. شاید یکی از علل بی‌توجهی به جرجانی همین آثار و سیطره آن‌ها بوده است!

پس از بررسی استعاره در آثار عربی، در بخش بعدی، آثار بلاغی فارسی از همین منظر تحلیل می‌شود. در آثار بلاغی به زبان عربی، اثر متفاوتی مانند اسرارالبلاغه وجود دارد و این اثر از چنان جایگاهی برخوردار است که می‌تواند معیار دسته‌بندی آثار دیگر قرار گیرد، اما در میان آثار بلاغی فارسی‌زبان اثری مانند این، که مباحث، شیوه و روش آن متفاوت با آثار دیگر است، وجود ندارد. البته، باید اشاره کرد که در برخی آثار بلاغی معاصر سعی شده است درباره این موضوع اندکی متفاوت‌تر از آثار دیگر بحث شود!

نخستین آثار بلاغی فارسی مانند ترجمانالبلاغه، حدائقالسحر دو ویژگی دارند: ۱. ایجاز و کوتاهی که از این حیث مانند کتب بلاغی اولیه عربی هستند؛ ۲. این دسته (در بخش مورد بررسی ما) به آثار ادبی، بهویژه آثار منظوم، بیشتر توجه کرده‌اند. به عبارتی، سعی کرده‌اند مباحث استعاره را بر پایه آثار ادبی فارسی بررسی کنند.

شاید بتوان گفت بیشتر کتب بلاغی فارسی تا روزگار تأليف انوارالبلاغه در قرن یازدهم، کوتاه و موجزند، می‌توان از این کتاب به عنوان یکی از کتاب‌های بلاغی مفصل به زبان فارسی و بر پایه مفتاح‌العلوم سکاکی، الاضاح و آثار تفتازانی یادکرد؛ گویا پس از این کتاب مباحث بلاغی فارسی مفصل‌تر می‌شوند و همان

شیوه و روش آثار بلاغی عربی (بهویژه آثار تفتیزانی) در آن‌ها آشکارتر می‌گردد. در فصل دوم ضمن توجه به سیر تاریخی هر موضوع، جوانب مختلف این اصطلاح مانند تعریف، ارکان، انواع و... بررسی، تحلیل و نقد شده است.

همان‌طور که در متن کتاب هم اشاره شده، اساس مباحث این کتاب بررسی استعاره در کتاب‌های بلاغی عربی و فارسی بوده است، بدین معنا که این موضوع در نظام بلاغی غرب بررسی نشده‌است، فقط در فصل سوم، استعاره مفهومی و استعاره دستوری را، به دلیل توجه محققان و گسترش این مباحث در حوزه مطالعات استعاره، بررسی، تحلیل و نقد کرده‌ایم.

فصل چهارم کتاب به استعاره در حوزه‌های دیگر اختصاص یافته است؛ در این فصل به بررسی، تحلیل و نقد استعاره در انواع ادبی و با توجه به زمینه متن پرداخته‌ایم.

بر خود لازم می‌دانم از همه دوستان و همکاران ارجمندی که در بهثمر رسیدن این اثر بنده را مرهون لطف خویش کردند، تشکر کنم؛ بهویژه از دوست عزیزم دکتر همایون جمشیدیان عضو هیأت علمی دانشگاه گلستان که کتاب را مطالعه و نکته‌های ارزشمندی را یادآوری کردند، همچنین از آقای امیر ملکیان جبلی، دانشجوی فرهیخته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم که متن را بازخوانی و مقابله کردند، بسیار سپاسگزاری می‌کنم.

در پایان شایسته است از مدیر آگاه انتشارات مروارید جناب آقای منوچهر حسن‌زاده که در این روزگار زار نشر کتاب، همواره با رویی گشاده حامی نویسنده‌گان بوده و هستند، بسیار تشکر کنم. روزگارشان سرشار از تندرنستی و خوشی باد؛ همچنین از خانم الناز ایلی مدیر فنی انتشارات مروارید و خانم تینا حامی که همچون کارهای گذشته، این کتاب را نیز به نیکی آراستند، بسیار سپاسگزارم.

آرزومندم این کتاب بتواند گامی کوچک در مسیر پژوهش‌های بلاغی باشد و همکاران دانشی و بصیر، بنده را مرهون راهنمایی‌های عالماهه خویش کنند.

فصل اول

بررسی و نقد سیر استعاره در آثار بلاغی عربی و فارسی

استعاره در کتاب‌های بلاغی عربی

مبحث استعاره، فراز و نشیب‌های مختلفی را -از بحث‌های بسیار ساده اولیه گرفته تا مجادلات و اصطلاح‌سازی‌های گوناگون- پشت سرنهاده تا به روزگار ما رسیده است. اما در این مسیر پر پیچ و خم، برخی از بزنگاه‌ها اهمیت بیشتری دارند به‌گونه‌ای که می‌توان آنها را شاخصی در روند تجزیه و تحلیل استعاره به‌شمار آورد. شاخصی که احتمالاً در پذیرش آنها، پژوهشگران این عرصه با یکدیگر همنوا هستند و آنها را معیار کار خویش قرار می‌دهند. کتاب اسرارالبلاغه، تأليف جرجانی نیز یکی از این شاخص‌های بسیار مهم (اگر نگوییم مهم‌ترین) در حوزه بلاغت به‌طور عام و در اینجا استعاره به‌طور خاص به‌شمار می‌رود. اهمیت این اثر زمانی روشن خواهد شد که آثار پیش از آن و پس از آن را بررسی کنیم. به قول شلگل، «اگرچه هر اثر هنری باید در خود محدود باشد، باید آن را مجموعه‌ای وابسته بدانیم و از منظر خاستگاه و موجودیتش و نیز آثار متقدم و متأخرش به آن بنگریم» (ولک، ۱۳۷۴: ۷۲). آنچه در سخن شلگل مهم است آثار متقدم و متأخر است. در اینجا آثار متقدم و متأخر، جایگاه جرجانی و اسرارالبلاغه را بهتر نشان می‌دهد؛ اثری که به‌نظر می‌رسد به‌رغم ارائه

دیدگاه‌های بسیار مهم در قلمرو پژوهش‌های بلاغی، نادیده گرفته شده است. این بی‌توجهی هنگام بررسی آثار بلاغی در روند تاریخی، بسیار زود چهره می‌نمایاند. به نظرم رسد شیوه جرجانی، شیوه‌ای منحصر به فرد و خاص و درواقع، تفاوت اصلی او با متقدمان و متأخران است؛ شیوه‌ای که به روش‌های مرسوم بلاغت پژوهی شباهت چندانی ندارد و شاید همین امر موجب شده است پژوهشگران عرصه بلاغت که همچنان از روش‌های قدیمی استفاده می‌کنند، به آثار او از جمله اسرارالبلاغه کمتر توجه کنند. در حالی که این اثر را می‌توان از روزگاران پیشین از آثار شاخص در پژوهش‌های بلاغی محسوب کرد. در هر حال، اسرارالبلاغه به دلیل دقت، شیوه تحلیلی، نکته‌سنگی، توجه به جوانب موضوع مورد بحث و... که در کتاب‌هایی دیگر از این دست کمتر دیده می‌شود، از چنان جایگاهی برخوردار است که به ما امکان می‌دهد روند مباحثت بلاغی و از جمله استعاره را بر اساس آن دسته‌بندی کنیم تا ضمن بررسی روند این موضوع در کتاب‌های بلاغی، اهمیت آرای جرجانی را نیز آشکار کنیم. از این‌رو، در اینجا، استعاره در سه دوره، بررسی و نقد شده است: الف. آثار پیش از اسرارالبلاغه، ب. اسرارالبلاغه (و جرجانی)، ج. آثار پس از اسرارالبلاغه. البته این دسته‌بندی می‌تواند از دیدگاه پژوهشگری دیگر به گونه‌ای متفاوت باشد.

الف) آثار پیش از اسرارالبلاغه

البيان والتبيين

از نخستین آثاری که در آن درباره استعاره بحث شده است، *البيان والتبيين* جاحظ (۲۵۵ هق) است. او بدون آنکه از تقسیمات بلاغی یعنی معانی، بیان و بدیع سخنی بگوید، اشعار شاعرانی همچون کلثوم بن عمرو و عتابی، منصور نمری و مسلم بن ولید را بررسی کرده است. فنون بلاغی مورد نظر جاحظ در این کتاب، بیشتر استعاره، تشییه، طلاق، جناس و نظائر اینها است. او اصطلاح «بدیع» را عمدتاً درباره استعاره و تشییه به کار می‌برد، در باب استعاره، فقط بر

اساس شواهد شعری، به تعریف این اصطلاح بسته می‌کند. از نظر جاحظ، استعاره با توجه به این بیت:

و طفت سحابه تغشاها تبکی علی عراصها عیناها

عبارت است از: نامیدن چیزی به نام دیگری که جایگزین آن شود (جاحظ، ۱۹۲۳: ۱۱۵). درواقع، جاحظ تقسیم‌بندی‌ای از استعاره ارائه نمی‌دهد و همان‌طور که در این نمونه هم نشان داده می‌شود، مشخص نمی‌کند که منظور او چه نوع استعاره‌ای و با چه ویژگی‌هایی است؛ یا توضیح نمی‌دهد که «نامیدن چیزی به جای چیز دیگر» بر واژه مبتنی است یا عبارت؟! یا مبنای این «جایگزینی» چیست؟ مشابه است یا مجاورت یا چیزی دیگر. در این نمونه که با استعاره مکنیه مواجهیم، جایگزینی چگونه صورت گرفته است: چشمان ابر می‌گردید؟ خلاصه اینکه در این اثر بدون تبیین چهارچوب استعاره، این مبحث بسیار موجز و مختصر است.

تأویل مشکل القرآن

این کتاب چنانکه از نامش پیداست، کتابی بلاغی به معنای خاص این اصطلاح نیست. ابن قتیبه دینوری (۲۷۶ هق) کتاب تأویل مشکل القرآن را در رد دیدگاه کسانی نوشت که معتقد بودند در قرآن مشکلاتی دیده می‌شود که این مشکلات نظم و اسلوب قرآن را مختلف می‌کند. دینوری، در مبحث استعاره نخست تعریف جاحظ را نقل می‌کند، ولی به ذکر این تعریف بسته نمی‌کند و قیدی بر آن می‌افزاید. او در باب استعاره ضمن تأکید بر به کارگیری چیزی به جای چیزی دیگر، ارتباط میان معنای حقیقی و مجازی را لازم و وجود چنین پیوندی را به سه شکل ممکن می‌داند. این سه شکل عبارت‌اند از: سبیت، مجاورت و تشییه (ابن قتیبه، ۱۹۷۳: ۱۳۵). روشن است که از میان این پیوندهای سه‌گانه، فقط پیوند بر مبنای تشییه، اساس استعاره است. درحالی‌که به نظر می‌رسد دینوری پس از بحث مفصل درباره استعارات قرآنی، مجازهای قرآن را

نیز استعاره می‌داند. به عبارت دیگر، استعاره از نظر دینوری چیزی جز مجاز (در معنی عام) نیست.

قواعدالشعر

ثعلب، احمد بن یحیی (۲۹۱ هق) از جمله نحویان، لغویان و راویان شعر عرب بهشمار می‌رود. او در قواعدالشعر ضمن اشاره به موضوع تشییه و استعاره، آنها را از فنون شعری برمسی شمرد (ثعلب، ۲۰۵: ۳۱ و ۴۷) و با نقل قولی از ابوالعباس استعاره را چنین تعریف می‌کند: هو أَن يَسْتَعْلِمُ لِلشَّيْءِ أَسْمَهُ غَيْرُهُ وَ
مَعْنَى سَوَاهُ (همان، ۴۵). آنگاه به شیوه مرسوم در این گونه آثار، نمونه‌هایی مبتنی بر این تعریف می‌آورد، اما مشخص نمی‌کند که منظور او از استعاره در این شواهد چیست! روشن است که ثعلب نه چیزی بر مبحث استعاره افزوده است و نه بر تعریف آن. حتی تعریفی که عرضه کرده از آن دیگری و نظری همان تعریف جاخط در این باب است.

البدیع

همان‌طور که در کتاب تشییه آورده‌ایم البدیع، تأثیف عبدالله بن معتز (۲۹۶ هق) در سال ۲۷۴ هجری قمری، نخستین کتاب در حوزه بلاگشت محسوب می‌شود. طبق گفته ابن معتز، البدیع بر اساس قرآن، احادیث پیامبر(ص)، کلام صحابه و اشعار پیشینیان نوشته شده است (ابن المعتر، ۲۰۰۱: ۱). بدوى طبانه نیز اشاره می‌کند هرچند اصطلاح «بدیع» پیش از ابن المعتر در آثار جاخط و شعر عرب به کاررفته و مسلم ابن ولید (متوفی ۲۰۸) نیز اولین کسی است که این اصطلاح را به کاربرده، فضل ابن المعتر، جمع‌آوری و ایضاح این موضوعات و ایراد شواهد مختلف از قرآن، حدیث و آثار ادب عربی است (طبانه، ۱۴۰۸: ۱۱۷-۱۱۸). البدیع در پنج باب استعاره، تجنيس، مطابقه، رد اعجاز‌الکلام و مذهب کلامی تحت عنوان بدیع تدوین شده است: الباب الاول من البدیع و هو الاستعاره،

الباب الثاني من البديع و هو التجنيس، الباب الثالث من البديع و هو المطابقه، الباب الرابع من البديع و هو رد اعجاز الكلام على ما تقدمها و الباب الخامس من البديع و هو مذهب سماه عمرو الجاحظ المذهب الكلام.

اختصاص یافتن بخش نخست این کتاب به استعاره، بیانگر اهمیت این موضوع نزد ابن معتر است. ابن معتر احتمالاً در این موضوع از کتاب *البيان* جاحظ هم بهره برده است. در این کتاب، چنانکه شیوه نویسنده است، اصطلاحات تعریف، طبقه‌بندی یا نقد نشده‌اند. بر همین اساس، در بخش استعاره فقط با آوردن عبارت «من بدیع و هو الاستعاره»، بدون هیچ توضیحی مثال‌هایی را نقل و تأکید می‌کند که در آنها استعاره وجود دارد. به عبارتی، خواننده فقط با مثال‌هایی رو به رو می‌شود که مؤلف معتقد است حاوی استعاره‌اند (ابن المعتر، ۲۰۰۱: ۱۵-۲۵)، ولی درباره چگونگی آنها هیچ سخن نمی‌گوید.

الواساطه بین المتنبی و خصوصه

الواساطه بین المتنبی و خصوصه، تألیف ابوالحسن علی ابن عبدالعزیز جرجانی (۳۶۳/۳۶۶ هق) ادیب، شاعر، فقیه و متکلم مشهور قرن چهارم است. مبحث استعاره در بخش بدیع این اثر و در میان مباحث بلاغی دیگر این حوزه مطرح شده و مانند البدیع ابن معتر و *البيان* جاحظ، اولین موضوع این کتاب است. نخستین چیزی که در این اثر توجه را جلب می‌کند، تعریف استعاره است. تعریفی که جرجانی در اینجا آورده، همان تعریفی است که ثعلب ذر قواعد الشعر از ابوالعباس در باب استعاره نقل کرده است: و هو ان یستعار للشیء اسمَ غير او معنی سواء (جرجانی، ۲۰۰۵: ۴۵). گویا این تعریف، از همان آغاز به عنوان تعریف جامع استعاره پذیرفته شده است و بقیه نیز صرفاً آن را تکرار کرده‌اند؛ بدون اینکه چیزی بر آن بیفزایند یا از آن بکاهند. پس از نقل این تعریف، جرجانی انواع استعاره را تقسیم‌بندی می‌کند.

در میان آثار پیشین، الوساطه شاید نخستین اثری باشد که در آن استعاره تقسیم‌بندی شده است. جرجانی در این اثر استعاره را به دو دسته تقسیم می‌کند: الف. استعاره الحسنة، ب. استعاره السیئة. به عبارت دیگر، استعاره زشت و زیبا. او بدون هیچ توضیحی، برای هر دسته نمونه‌های فراوانی می‌آورد (همان. ۳۴-۴۰). تقسیم‌بندی جرجانی کاملاً ذوقی است و در بردارنده هیچ ابزار یا روش خاصی نیست. چه بسا استعاراتی را که او زیبا می‌داند، پژوهشگری دیگر زشت بداند و بالعکس آنچه را او زشت می‌داند، دیگری زیبا بداند.

تشبیه و استعاره

موضوع دیگری که ابوالحسن جرجانی درباره آن بحث می‌کند، تفاوت میان تشبیه و استعاره است. او معتقد است:

«چه بسا دیده‌ام که برخی ادب‌مواردی را استعاره به حساب آورده‌اند، حال آنکه به نظرم این گونه نیست، بلکه صورت‌هایی از مثل یا تشبیه چیزی به چیزی دیگر است: و ربما جاء من هذا الباب ما يظنه الناس استعاره وهو تشبيه او مثل فقد رأيت بعض أهل الأدب ذكر أنواعا من الاستعاره ولست ارى هذا و ما اشبهه استعاره.... فهو اما ضروب المثل او تشبيه شئ به شئ» (جرجانی. ۲۰۰۵: ۴۱).

او تأکید می‌کند که اصل لازم برای استعاره، لفظِ مستعاری است که در جایگاه (معنای) دیگری به کار رفته است. برای تبیین این مطلب جرجانی سه معیار در نظر می‌گیرد: الف. نزدیکی در تشبیه، ب. مناسبت میان مستعارله و مستعارمنه، ج. در هم آمیختن لفظ و معنی.

«و إنما الاستعاره ما اكتفى فيها بالاسم المستعار من الأصل و نقلت العباره في مكان غيرها؛ و ملاكها تقريب التشبيه و مناسبة المستعارله، المستعارمنه و امتزاج اللفظ المعنى» (همان. ۴۱).

الوساطه را باید از جمله آثاری دانست که در آن با توجه به موضوع مورد

نظر، از مباحث بلاغی مانند استعاره سخن رفته است. درواقع، این کتاب را نمی‌توان جزو کتب بلاغی به معنای خاص آن دانست. مطالبی که در این اثر درباره استعاره آمده، بسیار اندک و جزئی است ولی در مقایسه با آثار پیشین، علاوه بر تقسیم‌بندی (هرچند ذوقی) و تعریف استعاره (که آن هم از دیگری منقول است) ویژگی‌های آن را ذکر کرده است. درمجموع، می‌توان گفت جرجانی در الواسطه گامی در این مسیر برداشته و به مبحث استعاره، مطالبی افزوده است.

نقدالشعر

نقدالشعر، تألیف قدامة بن جعفر بن قدامة بن زیاد بغدادی (۳۳۷ هق) در سه بخش تألیف شده است: ۱. مقدمه، ۲. نعوت شعر و ۳. عیوب شعر. قدامة در بخش نخست یا مقدمه، به علوم شعر مانند عروض و قافیه، علم معانی و... و در بخش نعوت شعر به مباحثی نظیر تشییه، استعاره و... می‌پردازد (قدامة، ۱۳۸۴: ۲۰۰). استعاره در این اثر از دو نظر بررسی می‌شود: الف. انواع استعاره، ب. اصل لازم میان طرفین استعاره.

الف) انواع استعاره

از نظر قدامه استعاره به دو نوع تقسیم می‌شود: ۱. استعاره فاحش؛ به این معنا که میان معنای حقیقی و مجازی ناممگونی باشد و ۲. استعاره نیکو؛ در این نوع از استعاره، بر عکس نوع نخست، میان معنای حقیقی و مجازی (هنری) همگونی وجود دارد. استعاره نوع نخست را می‌توان همان استعاره تهكمیه دانست که به طنز می‌انجامد، همچنین می‌توان مدعی شد که قدامة بن جعفر اولین کسی است که درباره آن سخن گفته، هر چند نامی بر آن ننهاده است. اما در هر حال این تقسیم‌بندی نیز مانند دسته‌بندی قاضی ابوالحسن جرجانی، ذوقی است و برای تشخیص آن معیاری وجود ندارد. البته جرجانی استعاره را فقط به دو گروه زشت و زیبا تقسیم و بدون دادن توضیحی در این‌باره، به ذکر